



نقش دانش بومی زنان روستایی در دستیابی به گردشگری پایدار روستایی (مورد مطالعه: روستاهای بخش زبرخان شهرستان نیشابور)

امین اله شمسایی^۱ نویسنده اصلی خدیجه بوزرجمهری^۲ علی طاهری^۳
دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد
آدرس ایمیل: Amin.shamsa@yahoo.com

چکیده:

در دهه‌های اخیر توجه و تمرکز بر دانش بومی زنان روستایی به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی نظام دانش هر کشور بدلیل نقش غیر قابل انکار آن در زمینه توسعه و بویژه توسعه پایدار روستایی اهمیت جدی یافته است. از سوی دیگر، زنان نقش انکار ناپذیر در فعالیتهای مختلف جوامع روستایی بر عهده دارند. با توجه به محدودیت زمین و عوامل تولید و افزایش جمعیت در روستاها که بازدهی تولیدی زمین‌های کشاورزی را کاهش داده و اقتصاد نواحی روستایی را ناپایدار ساخته است، لزوم توجه به فعالیتهای جایگزین از قبیل گردشگری روستایی ضروری می‌نماید که در این زمینه دانش فنی زنان قادر است نقش انکار ناپذیری در فعالیتهای مربوط به گردشگری جوامع روستایی در راستای ایجاد فرصتهای شغلی مولد، افزایش درآمد و امنیت خانوارها و ثبات و نگهداشت جمعیت در روستاها برعهده بگیرد. جامعه آماری این پژوهش روستاهای بخش زبرخان شهرستان نیشابور واقع در استان خراسان رضوی می‌باشد که با کاهش فعالیتهای گردشگری روستایی بویژه در زمینه صنایع دستی مواجه شده است. روش تحقیق تلفیق روش کمی و کیفی با هم است و از روشهای مشاهده مشارکتی، مصاحبه، بحث گروهی و پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. براین اساس ۱۱۱ نمونه از زنان روستایی شاغل در گردشگری جامعه مورد مطالعه انتخاب و با آمار توصیفی و استنباطی مورد آزمون قرار گرفتند. در سطح استنباطی برای آزمون فرضیه از T test تک نمونه‌ای استفاده گردید. تحلیل نتایج تحقیق نشان می‌دهد که گردشگری روستایی در متنوع سازی فعالیتهای اقتصادی و مشارکت زنان روستایی با بهره‌گیری از دانش فنی بومی آنان نقش دارد.

کلید واژه‌ها: دانش بومی، زنان روستایی، گردشگری پایدار روستایی، بخش زبرخان، شهرستان نیشابور

۱- دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد

آدرس ایمیل Azar1334@gmail.com

۳- استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه پیام نور

آدرس ایمیل Taheri235050@yahoo.com



۱- مقدمه و بیان مساله:

در دهه‌های اخیر توجه و تمرکز بر دانش بومی و دانش فنی بومی بعنوان مولفه‌های اصلی نظام دانش هر کشور بدلیل نقش غیر قابل انکار آن در زمینه توسعه و بویژه توسعه پایدار اهمیتی جدی یافته است و اجماع روز افزونی وجود دارد که فعالیتها و برنامه‌های توسعه، بویژه آنهایی که قصد خدمت‌رسانی و توانمند سازی مردم فقیر را دارند باید دانش بومی را در طراحی و اجرای مدل‌های توسعه مد نظر قرار دهند (بوذرجمهری، ۱۳۸۵: ۱۰۰). در دهه اخیر، صاحبان دانش رسمی به سمت دانش بومی گرایش پیدا کرده و برای انطباق فنون و شیوه‌های بومی با فنون و شیوه‌های جدید، تلاشی جدی را آغاز نموده اند (عمادی و همکار، ۱۳۸۳: ۱۷). دانش بومی بخشی از سرمایه ملی هر قوم است که باورها، ارزشها، روشها، ابزار و آگاهی‌های محلی آنان را در بر می‌گیرد. امروزه این دانش شفاهی که از نسلی به نسل بعد سینه به سینه انتقال یافته، به سرعت رو به نابودی است، چرا که با مرگ هر سستی کهن، بخش عظیمی از آن به فراموشی سپرده می‌شود (عمادی و همکار، ۱۳۷۸: ۱).

از سوی دیگر، زنان روستایی که نیمی از جمعیت ساکن روستاها را تشکیل می‌دهند، نقش عمده‌ای در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و مدیریتی بعهده دارند. فعالیتهای تولیدی آنان نقش موثری در افزایش درآمد، رفاه و آسایش خانوار روستایی دارند که پیامد آن بهبود وضعیت تغذیه، بهداشت، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه، افزایش سواد و ارتقای منزلت اجتماعی خانوار روستایی است (بوذرجمهری، ۱۳۹۳: ۱).

زنان روستایی به عنوان عضو جدا ناپذیر و مهم جامعه روستایی، نقشها و وظایف گوناگونی را انجام می‌دهند. آنان علاوه بر وظایف یک مادر، مسئولیتهای بی شماری را در ارتباط با مدیریت امور منزل، انجام کارهای کشاورزی، توسعه و تبدیل محصولات کشاورزی و دامی ایفا می‌کنند.

بر اساس گزارش سازمان ملل، هر چند زنان ۴۹ درصد جمعیت روستایی را تشکیل می‌دهند، ۶۵ درصد فعالیتهای بخش کشاورزی در روستاها را انجام می‌دهند. به عنوان مثال زنان روستاهای آفریقا ۱۰۰ درصد فعالیتهای تولید غذا، ۵۰ درصد فعالیتهای دامپروری و ۶۰ درصد فعالیتهای بازاریابی را انجام می‌دهند، زنان در ایران ۶۰ درصد فعالیتهای کشاورزی، ۶۲ درصد فعالیتهای دامداری و فعالیتهای عمده باغداری را انجام می‌دهند (بررسی وضعیت موجود زنان روستایی، ۱۳۹۰: ۲۱۶). توجه به نقش زنان در توسعه روستایی، در برگیرنده تلاش برای شناسایی هر چه دقیق‌تر و ارزش‌گذاری فعالیتهای آنان و رفع مسائل و موانع بر سر راه گسترش فعالیتهای زنان روستایی در مسیر توسعه روستایی می‌باشد. پر واضح است منطق توجیه کننده این تلاش، ضرورت استفاده از تمامی ظرفیتهای بالقوه منابع انسانی در جهت امر توسعه پایدار روستایی می‌باشد.

در عصر حاضر، گردشگری و اقتصاد گردشگری یکی از اصلی‌ترین و مهمترین ارکان اقتصادی- تجاری جهان به شمار می‌آید و نیز یکی از پر درآمدترین بخش‌های اقتصادی است (پازکی، ۱۳۸۷: ۶۶). از اجزای مهم این صنعت، گردشگری روستایی است که امروزه یکی از مردمی‌ترین اشکال گردشگری محسوب می‌شود (قدیری معصوم و همکار، ۱۳۸۷: ۱۳). با توجه به محدودیت زمین و عوامل تولید و افزایش جمعیت در روستاها که بازدهی تولیدی زمینهای کشاورزی را کاهش داده و اقتصاد نواحی روستایی را ناپایدار ساخته است، لزوم توجه به گردشگری روستایی احساس می‌شود و با توجه به اینکه در دهه‌های اخیر پایداری توسعه به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های پیش روی انسان مطرح می‌باشد، در راستای این هدف، بنظر می‌رسد یکی از ضروریات تحقق این امر، نگاه جدی به دانش بومی زنان روستایی در زمینه گردشگری روستایی



می‌باشد که می‌توان از این دانش و توانمندی برای جذب هر چه بیشتر گردشگران به روستا در راستای تنوع بخشی به اقتصاد روستایی بهره جست. "از آنجا که فرهنگ سنتی، ادب و رسوم، بازیهای محلی، رقص و موسیقی، ادبیات محلی، جشن‌ها و آیین‌های سنتی و روش تهیه و پخت غذاهای محلی و سنتی، فلسفه تولید غذاهای سنتی و قصه‌ها و ضرب المثل‌های رایج در هر روستا از جاذبه‌های فرهنگی مهم روستاها به شمار می‌روند که جذابیت زیادی برای گردشگران دارند" (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸) با توجه نقش کلیدی زنان روستایی در این موضوع، این امر قادر است که تا حد زیادی نقش زنان را ارتقاء داده و شرایط مناسبتری را از لحاظ اجتماعی برای آنان فراهم نماید و با توسعه گردشگری شاهد اشتغال زنان روستایی در زمینه صنایع دستی، افزایش بهره‌وری در تولیدات کشاورزی، انتقال ارزش افزوده بیشتر به مناطق روستایی، افزایش درآمد روستاییان، تنوع اقتصاد محلی و ثبات و نگهداشت جمعیت در روستاها می‌باشیم.

لذا پژوهش حاضر برآن است که نقش دانش بومی زنان روستایی بخش زبرخان شهرستان نیشابور را در دستیابی به توسعه پایدار گردشگری روستایی از طریق متنوع سازی فعالیتهای اقتصادی، اشتغالزایی، افزایش درآمد و سطح فعالیت و مشارکت زنان واکاوی نماید.

۲- روش تحقیق:

در این مقاله سعی شده است از تلفیق دو روش تحقیق کمی و کیفی استفاده شود. در روش کیفی از مشاهده مشارکتی، مصاحبه و بحث گروهی و در روش کمی از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. فرضیه این تحقیق عبارتست از گردشگری روستایی در متنوع سازی فعالیتهای اقتصادی و مشارکت زنان روستایی با بهره گیری از دانش فنی بومی آنان نقش دارد.

براین اساس ۱۱۱ نمونه از زنان روستایی شاغل در فعالیتهای گردشگری در روستاهای سه دهستان اسحاق آباد، زبرخان و اردوغش در بخش زبرخان بصورت تصادفی انتخاب و با آمار توصیفی و استنباطی مورد آزمون قرار گرفتند. در سطح استنباطی برای آزمون فرض ها از t test تک نمونه‌ای و به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. همچنین در این پژوهش چهار جلسه بصورت مباحث گروهی متمرکز در بین زنان شاغل در گردشگری روستاهای نمونه تشکیل گردید که تعداد افراد شرکت کننده از ۵ تا ۵۵ نفر در نوسان بود.

۳- مبانی نظری

تاریخ دانش بومی همزمان با تمدن بشری است و این دانش قبل از دوره رنسانس مورد توجه جامعه علمی قرار گرفته بود، اما گسترش آن بویژه پژوهشهای بین المللی در زمینه دانش بومی به اوایل قرن بیستم باز می‌گردد. از پیشگامان تحقیقات علمی دانش بومی می‌توان پزشکان و گیاه پزشکان مشهوری چون ویلیام آ.آلبریج، آلبرت هوارد، اف.اچ. کینگ، وستن، آ.پرای. جی تی رنج و رابرت مک گریسون را نام برد (بوذرجمهری و همکار، ۱۳۸۲: ۵). در ایران نیز از زمانهای گذشته تحقیقات و پژوهشهای زیادی در زمینه دانش بومی انجام شده است. محققانی هم چون جواد صفی نژاد، خسرو خسروی، کاظم ودیعی، مرتضی فرهادی، مهدی طالب، مصطفی ازکیا، محمد حسین پاپلی یزدی، و محمد حسین عمادی تحقیقات سودمندی در زمینه معرفی سنتها و دانشهای بومی ایران انجام داده‌اند.



"مباحث و انتقادهایی که به تازگی از مبانی علم جدید، هویت ملی و هویت اجتماعی بدنبال پدیده جهانی شده توسط اندیشمندان مختلف صورت گرفته، موجب پیدایش مفاهیم تازه‌تری همچون دانش بومی و بومی سازی شده است. این واژه را برای نخستین بار گیرتز در سال ۱۹۸۳ مطرح کرده است. وی در این باره گفته منظور از دانش بومی، دانش خاصی است که بشدت در موقعیت و بافت خاصی ریشه داشته و رشد کرده است (Simpson: 1994: ۶۴).

دانش بومی و بومی سازی یکی از گفتمان‌هایی است که در عرصه پارادایم‌های جدید توسعه مطرح و مورد توجه زیادی قرار گرفته است. بومی سازی می‌تواند به کاهش پیامدهای آسیب‌شناختی جریان توسعه از طریق سازگاری با مفاهیم جدید توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی، دموکراسی مشارکتی و توانمندسازی قشر ضعیف جامعه منجر شود. دانش بومی (که به وسیله وارن و کشمن مطرح شد)، عبارت از مجموع تجربه و دانشی است که یک جامعه در برخورد با مشکلات آشنا و ناآشنا به دست آورده و آن را اساسی برای تصمیم‌گیریها و چالش‌های خود قرار داده است. (Warren, ۱۹۸۸) دانش بومی ریشه در تجربه‌های گذشته دارد و تا وقتی که جامعه پابرجاست، به عنوان پایه فرهنگی و فنی آن به تکامل خود ادامه می‌دهد. دانش بومی دانشی است که مردم به آن اعتقاد دارند و آن را در طول زمان در جامعه خود توسعه و بهبود بخشیده اند (Penny: ۲۰۰۱).

دانش بومی زمینه‌های مساعدی را برای توسعه فراهم می‌آورد، دویس، دانش بومی را به پره‌های یک پرنده تشبیه می‌کند؛ یعنی از زمانی که پرنده پر در می‌آورد، پرواز را می‌آموزد (Dewes 1993):
دانش بومی از حوزه جغرافیایی خاصی سرچشمه گرفته است و به طور طبیعی تولید می‌شود و براساس کارایی و سازگاری با شرایط محیطی به نواحی مجاور و دور دست پخش و منتشر می‌شود؛ هر چند که معرفت مردم روستایی بعد از تحولات شهرنشینی و رشد فزاینده آن از طریق تزریق دانش حوزه جغرافیایی خارج از روستا، تحت تأثیر قرار گرفته و اسباب فزونی و یا نابودی آن را فراهم آورده باشد (ازکیا، ۱۳۷۶: ۶). بنابر تعاریف ذکر شده، مهمترین ویژگیهای دانش بومی عبارت است از: بر پایه تجربه استوار است، در طول قرن‌ها با کار روی آن آزمون می‌شود و جنبه کاربردی پیدا کرده است؛ با محیط و فرهنگ بومی سازگار است و پویا و در حال دگرگونی است. در عین حال، امروزه گردشگری از جمله اولین فعالیتها از جنبه اشتغال‌زایی و درآمد زایی در جهان محسوب می‌گردد که در سالهای اخیر رشد شتابانی داشته و توانسته است خود را به بالاترین سطح ارتقاء دهد.

گسترش صنعت گردشگری به عنوان صنعتی که با حوزه‌های مختلف نظیر اقتصاد، کشاورزی، فرهنگ، محیط زیست و خدمات در تعامل است، دارای اهمیت فراوانی است و تجربیات مناطق مختلف نشان داده است که توسعه آن در هر منطقه باعث رشد و پیشرفت اقتصادی - اجتماعی آن ناحیه گردیده است، بنابر این می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای اصلی توسعه در هر ناحیه مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس تعریف اتحادیه پارکهای ملی و طبیعی، گردشگری پایدار عبارتست از کلیه اشکال توسعه گردشگری شامل مدیریت و فعالیتهای حفظ و احیای منابع طبیعی، تمامیت اجتماعی، اقتصادی و رفاه اجتماعی، حفظ و تداوم ساختمانها و منابع فرهنگی جامعه (دربان آستانه، ۱۳۸۵: ۵۵).

گردشگری روستایی شامل هر نوع فعالیت تفریحی و گذراندن اوقات فراغت است با دریافت خدماتی از قبیل غذا، محل اقامت و محصولات محلی از ساکنان محلی در مکانی که از نظر قوانین و مقررات جاری کشور یا از نظر ماهیت اقتصادی و



فرهنگی روستا محسوب می شود و همچنین فعالیتی چند بعدی است که در محیطی خارج از شهر صورت می گیرد و به گردشگران ماهیت زندگی روستاییان را نشان می دهد (دات، ۱۹۹۴: ۱۲).

گردشگری روستایی عبارتست از کلیه فعالیتهای گردشگری در محیط روستای با توجه به فرهنگ و بافت سنتی روستایی، هنر و صنایع روستایی، آداب و رسوم سنتی که دربرگیرنده گردشگری کشاورزی، گردشگری سبز، گردشگری مزرعه ای، گردشگری غذایی و شکار است (عناستانی، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

لذا دانش بومی زنان در مورد گردشگری گنجینه ای از ثروت معنوی و تجربه است و به مثابه دارایی ارزشمندی می باشد که باید بر روی آن سرمایه گذاری شده و در فرآیند توسعه دخالت داده شود (ایفاد، ۱۹۹۹).

با این وجود، زنان روستایی در کشور ما با وجود موقعیت نامناسب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نقش قابل توجهی در جامعه روستایی بازی می نمایند و میزان نقش و مشارکت آنها در بسیاری از فعالیتهای اقتصادی، تولیدی و خدماتی در سطح بالایی است و با اینکه حدود نیمی از جمعیت کشور و بخش قابل توجهی از جمعیت فعال اقتصادی را زنان به خود اختصاص داده و نسبت آنان در جامعه تحصیلکرده همچنان رو به تزاید است، اما هنوز سهم شایسته ای در اقتصاد ملی به دست نیاورده اند. زنان روستایی وضعیتی به مراتب اسفبارتر از هموعان غیر روستایی خود دارند و به همین دلیل اندیشمندان و سیاست گذاران تمامی کشورهای دنیا توجه خاصی را به توسعه روستایی و رفع مشکلات و معضلات آنها معطوف نموده اند. بسیاری از تحقیقات در زمینه اشتغال زنان و موقعیت اقتصادی و تولیدی آنان در جامعه روستایی به این نتیجه رسیده است که عوامل بنیانی و موثر در پیدایش مشکلات فوق الذکر در کشورهای در حال توسعه و حتی صنعتی عبارتست از:

- بی توجهی به فعالیتهای اقتصادی زنان بویژه در جامعه روستایی و مطرح نشدن و عدم تعریف آنها در اسناد رسمی کشورها و برجای ماندن نگرش سنتی به کار آنها.

- تسلط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مرد در جامعه و بخصوص در بخش روستایی و نقش فرعی و وابسته زنان

- تبعیض در شرایط اشتغال و کار زن در جامعه که عمدتاً "محصول تسلط مردان است.

- فرصتهای اندک برای تحصیل و کسب مهارتهای جدید به علت اشتغال در خانه و عدم دسترسی کافی و لازم به

نهادهای (لهسایی زاده، ۱۳۷۴: ۵۳).

یکی از زمینه های مطلوب برای ارتقاء کارآفرینی زنان روستایی، توجه به گردشگری و صنعت توریسم در مناطق روستایی می باشد. زنان روستایی با صرف کمترین هزینه، کمترین ریسک و با آگاهی کامل از استعدادهای قوی درون خویش می توانند به اشتغال در زمینه های محلی و گردشگری دست یابند. نقش زنان در توسعه اقتصادی صنعت گردشگری قابل توجه است. علاوه بر این، در اکثر نواحی روستایی کشور، زنان به کارهای دستی چون گلیم بافی، حصیربافی، سوزن دوزی یا صنایع دستی بومی هر منطقه می پردازند که فروش آنها درآمدی قابل توجه برای جامعه میزبان به ارمغان می آورد.

اشتغال در بخش گردشگری، می تواند منفعتی را برای افراد یا حتی گروههایی از زنان در جوامع خاص داشته باشد. اشتغال در بخش گردشگری، فرصتهای متفاوتی را نیز پدید می آورد و می تواند روابط جنسیتی درون جوامع را تغییر دهد. این کار مستلزم فراهم شدن زمینه های لازم است، در حالی که هنوز زمینه های لازم در برابرسازی این فرصتها فراهم نشده است (خانی، ۱۳۹۰).



۴- محدوده مورد مطالعه:

طبق آخرین تقسیمات کشوری شهرستان نیشابور در استان خراسان رضوی واقع شده است. این شهرستان بعد از شهرستان مشهد به عنوان دومین شهرستان پرجمعیت استان شناخته شده و خود شامل ۵ بخش، ۷ شهر و ۱۴ دهستان می باشد. بخش زبرخان شامل سه دهستان اردوغش، اسحاق آباد و زبرخان و سه شهر درود، قدمگاه و خرو می باشد (سالنامه آماری استان خراسان رضوی، ۱۳۸۵).

جدول ۱: جمعیت دهستانهای بخش زبرخان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و تعداد نمونه

دهستان	تعداد روستا	جمعیت	مرد	زن	تعداد نمونه
اردوغش	۱۸	۱۰۶۱۷۰	۴۹۱۲	۵۷۵۸	۳۲
اسحاق آباد	۲۲	۱۰۰۹۹	۴۹۵۰	۵۱۴۹	۳۶
زبرخان	۳۵	۱۴۷۴۹	۷۱۷۴	۷۵۷۵	۴۳
جمع	۷۵	۳۵۵۱۸	۱۷۰۳۶	۱۸۴۸۲	۱۱۱

ماخذ: سالنامه آماری استان خراسان رضوی، ۱۳۸۵.

مهمترین صنایع دستی رایج در شهرستان نیشابور، صنایع قالی بافی و گلیم بافی است. صنعت قالی بافی در بیش از ۴۷۰ روستا و صنعت گلیم بافی در ۲۷ روستای این شهرستان عمدتاً بصورت کار اصلی و یا بصورت فعالیت جنبی و مکمل در کنار سایر فعالیتهای رایج اقتصادی انجام می گیرد. آمادگی و توانمندی نیشابور در بخش صنعت قالی بافی بگونه ای است که اقدام به بافتن قالی هایی با مترهاژ چند هزار متری و در نوع خود بزرگترین در سطح جهان می نماید. از دیگر صنایع دستی موجود در شهرستان نیشابور می توان به ۴ کارگاه صنعت سفالگری، ۴ کارگاه صنایع نمد مالی، ۲ کارگاه صنایع پارچه بافی، کارگاه صنایع ریسندگی نخ، در یک روستا گیوه بافی و در یک روستا حصیر بافی اشاره کرد صنعت تولید قالی دستی رایج ترین فعالیت دستی در منطقه به شمار می رود به طوریکه به عنوان مثال بزرگترین فرش دستباف جهان به مساحت ۴۳۴۲ متر جهت مسجدی در مسقط، پایتخت کشور عمان و به وزن حدود ۲۲ تن در این بخش بافته شده است که اشتغالزایی حدود ۶۵۰ نفر بافنده زن روستایی در مدت دو سال شاهی گویا بر پتانسیل و قابلیت بالای این ناحیه از نظر رواج و توسعه صنایع دستی و گردشگری می باشد که از اثرات اقتصادی آن می توان به حدود ۵ میلیون دلار درآمد ارزی برای کشور اشاره نمود (طاهری، ۱۳۸۰: ۲۷).

بخش زبرخان یکی از پرجمعیت ترین بخش های نیشابور است و از نظر موقعیت جغرافیایی بخش عمده آن در دامنه های جنوبی بینالود واقع شده است و به لحاظ منابع آب و حاصلخیزی از بخش های مهم کشاورزی شهرستان نیشابور می باشد. روستاییان این بخش اغلب از راه کشاورزی امرار معاش می کنند که شامل زراعت، باغداری، دامداری، زنبور داری و صنایع دستی می شود.

همچنین این بخش قطب صنعتی مهم شهرستان و استان خراسان رضوی محسوب می گردد. مهم ترین محور مواصلاتی استان و و کشور (تهران-مشهد) از این بخش گذر می کند. از مهمترین نکات قابل توجه در زمینه گردشگری بخش زبرخان،



قرارگیری بیشتر روستاهای آن در دامنه های جنوبی رشته کوه بینالود و وجود بخش عمده رود دره ها و ییلاقات و جاذبه های طبیعی در این بخش می باشد که می توان به روستاهای دیزباد علیا، گرینه، شهر درود، شهر خرو و همچنین وجود مجموعه مذهبی، فرهنگی و تاریخی باغ و بقعه قدمگاه رضوی که در شهر قدمگاه رضوی واقع شده و سالانه مورد زیارت میلیون ها زائر و مسافر قرار می گیرد و دارای اهمیت بالایی از لحاظ گردشگری مذهبی است، اشاره نمود. "در مجموع شهرستان نیشابور دارای ۷۰ منبع و جاذبه گردشگری است که از این تعداد ۱۸ منبع و جاذبه در دسته منابع و جاذبه های طبیعی، ۴۸ منبع و جاذبه فرهنگی و ۴ جاذبه ویژه می باشد که سهم بخش زبرخان ۸ جاذبه طبیعی و ۶ جاذبه فرهنگی می باشد (مهندسین مشاور آرمانشهر، ۱۳۸۵). تا سه دهه پیش انواع مصنوعات صنایع دستی چون جاجیم، گلیم، قالی، چادر شب، کرباس و سبد از جمله فعالیت های غالب زنان روستاهای بخش زبرخان بوده است. تغییر و تحولاتی مانند افزایش مهاجرت، رشد خدمات، واردات کالاهای مشابه با قیمت های پایین و عدم حمایت و برنامه ریزی طولانی مدت از صنایع دستی داخلی موجب شده است که فعالیت های مربوط به صنایع دستی یادشده در عمل از زندگی مردم حذف شده و زنانی که در این بخش فعال بودند، به گونه ای منفعل شده اند.

بنابراین، با تغییر و تحولات جدید، صنایع دستی حضور بسیار کم رنگی یافته و در حال نابودی است و آثار بسیار اندکی از آن به چشم می خورد. امروزه، مصنوعات وارداتی جایگزین اینگونه صنایع دستی شده اند؛ و از آن میان، تنها قالی و قالیچه در حد محدود هنوز در این روستاها دیده می شود که آن هم تنها برای مصرف خانگی است و نه عرضه به بازار. لازم به ذکر است که در گذشته، نمد مالی به عنوان صنعتی مردانه در روستاهای این بخش فعال بوده است.



نقشه شماره ۱: موقعیت بخش زبر خان در شهرستان نیشاپور-سال ۱۳۹۳.
ماخذ: استانداری خراسان رضوی، معاونت آمار و برنامه ریزی.

۵- یافته های پژوهش:

از آنجا که شغل اصلی روستاییان بخش زبرخان کشاورزی است بیشتر زنان روستاها به کارهای کشاورزی و خانه‌داری مشغول‌اند. در کنار کار کشاورزی تقریباً تمامی فعالیتهای مربوط به خانه اعم از پخت و پز، نگهداری بچه‌ها و نظافت منزل نیز بر عهده زنان روستایی می‌باشد. در اکثر خانه‌ها زنان در حد مصرف خانوار به پرورش طیور و دام می‌پردازند. یافته‌های



حاصل از روش تحقیق کیفی شامل مشاهده مشارکتی، مصاحبه و بحث‌های گروهی حاکی از آن است که وظایف زنان روستایی به نحوی تثبیت شده است که بیشتر در خانه باشند و فعالیت‌های خارج از منزل به مردان واگذار شده است. یافته‌ها همچنین حاکی از این است که زنان روستایی وقت زیادی برای پرداختن به امور متنوع گردشگری روستایی از قبیل تولید انواع صنایع دستی شامل بافت قالی، قالیچه؛ سفالگری، پارچه بافی، ریسندگی، حصیربافی و همچنین پخت انواع غذاهای محلی، بافت انواع پوشاک محلی و سنتی، تولید عکس با انواع لباسهای سنتی و محلی، ایجاد سوپر مارکتها و فروش محصولات کشاورزی روستاییان را دارند، اما مبادرت به این امور نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند در وضعیت اقتصادی بدی باشند، چرا که اکثراً با وجود آموزشهایی که آنان در این زمینه‌ها دیده‌اند و دانش فنی که دارند، خود را باور نداشته و معتقدند که کار چندانی از دستشان برنمی‌آید. در حالیکه در گردشگری روستایی، آشنایی با محصولات و تولیدات سنتی و روش تولید آن، زبان و لهجه‌ها (گویش‌های محلی)، مکانهای تاریخی و مناظر طبیعی و تمامی نشانه‌ها و علائم فرهنگی آن ضرورت دارد. "یکی از موضوعات مشترک توسعه روستایی درون‌زا ارزش افزایی به چشم اندازه‌ها، محیط زیست و محصولات روستایی است. این ارزش افزایی می‌تواند شامل معرفی مجدد یک مکان روستایی و شاید تاکید بر سنتها و میراث محلی برای جذب گردشگران باشد (وودز، ۱۳۹۰: ۲۵۵).

در زمینه بحث گروهی از زنان روستا خواسته شد تا به عمده ترین مشکلات گردشگری در روستای خود بپردازند. ابتدا فهرستی از عمده ترین مشکلات تهیه شد؛ سپس، آنها در یک بحث گروهی در باره هر یک از مشکلات شرکت کردند. آنها اذعان داشتند که مشکلات مربوط به گردشگری در ارتباط با کلیه اهالی روستا می‌باشد. عمده ترین این مشکلات عبارت از تهدید امنیت اجتماعی جامعه محلی از طریق عدم رعایت مسائل اخلاقی و بروز رفتارهای خشونت آمیز در ملاء عام بود. سپس، آنها به مشکلاتی اشاره کردند که توسط سازمان های مسئول ایجاد شده بود و برای حل این مشکلات، موارد زیر را مطرح کردند: ایجاد یک مدیریت منسجم جهت اداره گردشگری روستایی که شورای روستا می‌تواند در این مدیریت نقش عمده و مهمی داشته باشد. از مهم ترین پیشنهادها برای رفع مشکل کمبود درآمد، تشکیل تعاونی برای فروش محصولات تولیدی به گردشگران بود مانند بسته بندی انواع محصولات کشاورزی و باغی مانند حبوبات، لوبیا، فروش عسل، گردو و پیشنهاد ایجاد یک تعاونی از جمله پیشنهادهای زنان روستایی بود که به لحاظ ایجاد اشتغال مولد در روستاها می‌تواند بسیار سودمند باشد.

در ادامه با توجه به نتایج حاصل از روش تحقیق کیفی و اطلاعات حاصل از روش تحقیق کمی شامل پرسشنامه‌ها در جامعه مورد مطالعه، مشخص می‌گردد که زنان هنرمند این روستاها فقط در زمینه صنایع دستی و مخصوصاً "بافت قالی و قالیچه آموزش دیده و دارای دانش فنی بومی می‌باشند، در حالیکه صنایع دستی بنا به گفته کارشناسان ۱۳۳ رشته می‌باشد و در رشته‌های دیگر صنایع دستی و زمینه‌های دیگر گردشگری روستایی مانند تهیه و پخت غذاهای محلی و سنتی، پخت نان سنتی، تولید و دوخت پوشاک و لباسهای سنتی، خیاطی و سوزن دوزی، عکاسی سنتی با استفاده از لباسهای محلی و معماری سنتی آموزشهای لازم را نداشته‌اند و بنابراین دارای دانش فنی بومی اندکی در این زمینه‌ها می‌باشند.

از لحاظ آماری، روستای محل سکونت ۲۶ درصد پاسخ دهندگان بوژمهران، ۲۳/۲ درصد اسحاق آباد، ۳/۸ درصد کوشان، ۲۹ درصد و ۱۸ درصد روستای اردوغش می‌باشد. همچنین بیش از ۹۵ درصد پاسخ دهندگان به پرسشنامه به صنایع دستی اشتغال دارند.



۳۷/۵ از پاسخگویان جامعه مورد مطالعه ما اظهار داشتند که تاکنون در پی کسب مهارت یا حرفه‌ای درآمدزا بوده و ۶۲/۵ درصد در پی کسب مهارت یا حرفه‌ای درآمدزا برای کمک به بهبود وضعیت خود نبوده‌اند. با این وجود تنها ۲۸/۸ درصد از کسانی که آموزش مهارت یا حرفه‌ای درآمدزا در زمینه گردشگری دیده بودند از آن استفاده می‌کردند و ۷۱/۲ درصد از آموزش خود هیچگونه استفاده‌ای نمی‌نمایند. لذا با توجه به نتایج مطالعات صورت گرفته این امر محقق است که چیزی که در بین زنان روستایی جامعه مورد مطالعه دارای اهمیت بیشتری می‌باشد، کمبود آموزش و حرفه آموزی و دانش فنی نبوده، بلکه مهم نوع نگرش زنان روستایی است که مانع عمده استفاده از این آموزشها و دانش در زمینه گردشگری روستایی می‌شود و اکثر زنان تمایلی زیادی به کارهای تولیدی در زمینه گردشگری روستایی ندارند و با وجود نیاز شدید مالی، تنها به فکر پرکردن اوقات فراغت خود می‌باشند. زنان پاسخگوی جامعه مورد مطالعه ما در جواب این که چرا از حرفه آموزی خود در جهت منافع اقتصادی خانوار بهره‌ای نبرده‌اند، علت اصلی آن را نبود سرمایه کافی می‌دانستند و همین امر سبب می‌گردد که بیش از ۹۰ درصد آنان هیچگونه درآمد مستقلی برای خود نداشته باشند و از نظر مالی به دیگران وابسته شوند و یا برای گذران زندگی خود به دنبال وام باشند.

یافته‌های تحقیق همچنین حاکی از آن است که مهمترین زمینه فعالیت زنان در زمینه گردشگری روستایی صنایع دستی می‌باشد و این صنایع اهمیت بالایی در خود اشتغالی زنان روستایی بدلیل عدم نیاز به سرمایه گذاری زیاد داشته و هر خانواده روستایی با هر میزان سرمایه‌ای می‌تواند در آن مشغول شود و کسب درآمد کند. همچنین از دیرباز تاکنون صنایع دستی عامل ایجاد اشتغال جنبی و درآمد مکمل در روستاهای این منطقه بوده است. نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که از ۱۱۱ نمونه زنان شاغل روستایی در فعالیتهای صنایع دستی ۹۴/۶ درصد از پاسخ دهندگان به پرسشنامه به صنایع دستی اشتغال دارند، نوع صنایع دستی مورد اشتغال ۶۷/۶ درصد از پاسخ دهندگان قالی بافی، ۰/۹ درصد از پاسخ دهندگان قالی بافی و خیاطی و ۰/۹ درصد از پاسخ دهندگان قالی بافی و گلدوزی می‌باشد و ۳۰/۶ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. نوع کارگاه صنایع دستی ۳۶ درصد پاسخ دهندگان به پرسشنامه قالی بافی می‌باشد.

۱-۵ آزمون فرضیه:

با توجه به نرمال بودن متغیرها از آزمون پارامتری t test تک نمونه‌ای استفاده شده است. پرسشنامه از طیف ۵ گزینه لیکرت استفاده و رتبه‌های ۱ تا ۵ به پاسخ‌ها اختصاص داده شده است. امتیاز نشان دهنده کمترین میزان ارزش از سوال مربوطه و امتیاز ۵ نشان دهنده بیشترین ارزش است. به این ترتیب عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخها انتخاب شده است. با توجه به سوالات اگر میانگین متغیر مورد نظر از ۳ بیشتر باشد به معنی وجود رابطه بین گردشگری روستایی و دانش بومی زنان روستایی می‌باشد و اگر میانگین متغیر مورد نظر کوچکتر یا مساوی ۳ باشد، به معنی عدم وجود رابطه بین گردشگری روستایی با متنوع سازی فعالیتهای اقتصادی و دانش بومی زنان روستایی می‌باشد. فرضیه آزمون T - Test به صورت زیر می‌باشد و نتیجه این آزمون در جدول شماره ۲ آمده است.

$$\begin{cases} H_0 : \mu = 3 \\ H_1 : \mu \neq 3 \end{cases}$$



فرضیه این تحقیق عبارتست از: گردشگری روستایی در متنوع سازی فعالیتهای اقتصادی و مشارکت زنان روستایی با بهره‌گیری از دانش فنی بومی آنان نقش دارد. با توجه به نرمال بودن متغیر مورد نظر برای بررسی این فرضیه از آزمون پارامتری $T - Test$ تک نمونه‌ای استفاده گردیده است و در این آزمون میانگین متغیر مورد نظر را با عدد ۳ مقایسه می‌کنیم.

جدول (۲) : نتایج آزمون $T - Test$

فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف		اختلاف میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره T	میانگین
کران بالا	کران پایین					
۱/۲۱۲۱	۱/۰۹۴۲	۱/۱۵۳۱۵	۰/۰۰۰	۱۱۰	۳۸/۷۶۵	۴/۱۵۲

بر اساس آزمون $T test$ و نتایج ارائه شده در جدول شماره ۲، مقدار آماره $T - Test$ برابر با ۳۸/۷۶۵ و مقدار سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۰ که از ۰/۰۵ کمتر است و با توجه به اینکه میانگین متغیر مورد نظر بیشتر از ۳ می‌باشد، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد گردشگری روستایی در متنوع سازی فعالیتهای اقتصادی و سطح فعالیت و مشارکت زنان با استفاده از دانش فنی بومی آنها نقش دارد.



۶- نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات:

یکی از راهبردهایی که در سالهای اخیر، بخصوص در کشورهای در حال توسعه به آن توجه شده است و در برخی از این کشورها به اجرا درآمده و نتایج مثبتی به همراه داشته است، توسعه و گسترش گردشگری در نواحی روستایی و استفاده از جاذبه های متعدد طبیعی و فرهنگی روستا به عنوان منبع درآمد و معیشت روستا و در عین حال کمک به حفاظت از سرمایه ها و جاذبه های منحصر بفرد طبیعی و فرهنگی روستا است (جمعه پور و احمدی، ۱۳۹۰: ۳۵).

گردشگری روستایی می تواند راه حلی اساسی برای احیای نواحی روستایی محروم از طریق متنوع سازی منبع درآمد باشد. با ترویج گردشگری روستایی بخش مهمی از درآمدهای مناطق شهری در مناطق روستایی خرج می شود که همین امر منجر به باز توزیع درآمد در این مناطق خواهد شد. تنوع بخشی به اقتصاد روستایی موجب افزایش فرصت های شغلی و به تبع آن، فرصت های شغلی جدیدی برای زنان ایجاد می شود.

مشاغل گردشگری روستایی اغلب به مهارت های پیشرفته ای نیاز ندارند و افراد بومی محل با مهارت کم، می توانند کارهای خدماتی، آماده کردن غذا، مغازه های خرده فروشی و کارهای مسافرتی را انجام دهند. از جمله ویژگی اقتصاد گردشگری در این نواحی، بنگاه های کوچک مقیاس و مبتنی بر نیروی کار خانواده و در نتیجه افزایش فرصت هایی برای استقلال اقتصادی زنان است.

گردشگری به ویژه برای افرادی که در مناطق روستایی هستند، سطح تحصیلات پایین تر و گزینه های کمتری برای اشتغال دارند، فرصت اشتغال ایجاد می کند. زنان با اشتغال در بخش غیررسمی می توانند همچنان به انجام مسئولیت های خانه داری خود به دلیل ماهیت انعطاف پذیر نوع کار ادامه دهند. انعطاف پذیری کارهای گردشگری از جمله تولید صنایع دستی به زنان امکان می دهد که در کنار ادامه دادن نقش های سنتی خود، استانداردهای زندگی خود را بهبود بخشند و اشتغال زنان می تواند اثرات قابل توجهی بر کاهش فقر در مناطق روستایی داشته باشد. لذا مساله اینجاست که توسعه روستایی و گردشگری پایدار روستایی بدون مشارکت فعال کسانی که تحت تاثیر آن هستند، محقق نمی شود. جامعه محلی اولین بخشی است که از گردشگری تاثیر می پذیرد. اگر افرادی که تحت تاثیر گردشگری واقع می شوند، در برنامه ریزی توسعه گنجانده نشوند، حتی برنامه ریزی شده ترین برنامه ها می تواند در مرحله ای اجرا توسط جامعه میزبان تغییر کنند.

زنان روستایی زبرخان دارای دانش و مهارت های باارزش و قابل توجهی در زمینه انواع صنایع دستی هستند که می شود با شناسایی و معرفی آنها برای جلب گردشگری منطقه استفاده کرد. در حالی که نه به دانش فنی بومی زنان روستاهای بخش زبرخان اهمیت داده می شود و نه این زنان تمایل زیادی به استفاده از این دانش فنی و آموزشهای دیده شده در زمینه گردشگری روستایی دارند. با توجه به اینکه روستاهای بخش زبرخان با کاهش صنایع دستی و فعالیتهای تولیدی در زمینه گردشگری روستایی مواجه شده است که نتیجه آن کاهش درآمدهای خانوارهای روستایی و تضعیف بنیه اقتصادی روستاییان، کاهش استانداردهای زندگی وعدم ثبات و نگهداشت جمعیت در روستاها و مهاجرت به شهر می گردد و این امر یعنی حضور کم رنگ زنان روستایی بخش زبرخان در گردشگری روستایی واقعیتی است که ریشه در کمبودها، نارساییها، بی توجهی ها و امکانات دارد که زمانی که با عناصر فرهنگی و اصول حاکم بر تفکر و تلقی برنامه ریزان و مدیران و عامه مردم همراه می گردد، به مرور زمان زن روستایی را به بی قابلیت و بی منزلتی می کشاند.



بنابر این توجه بیشتر به دانش فنی زنان روستایی از طریق کاربردی کردن دانش آنان و بالا بردن اعتبارات مربوط به آموزش و حرفه آموزی آنها در سایر زمینه‌های گردشگری روستایی و رفع موانع و مشکلات بیان شده می‌تواند سبب رشد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تولیدی و گردشگری در روستاهای بخش زبر خان شهرستان نیشابور گردد. در انتها با توجه به موضوع همایش و در راستای استفاده کاربردی از دستاوردهای آن، در پایان این مقاله توصیه‌های سیاستی برای توسعه پایدار روستایی در برنامه ششم توسعه کشور مستخرج از مقاله ذکر می‌گردد:

۱- توجه جدی به آموزش زنان روستایی در زمینه‌های مربوط به گردشگری روستایی و کاربردی کردن دانش آنان از قبیل از تولید انواع صنایع دستی شامل بافت قالی، قالیچه، سفالگری، پارچه بافی، ریسندگی، حصیربافی و همچنین پخت انواع غذاهای محلی، لبنیات سنتی، بافت انواع پوشاک محلی و سنتی، تولید عکس با انواع لباسهای سنتی و محلی، ایجاد سوپر مارکتها و فروش محصولات کشاورزی روستاییان

۲- استفاده از ابزار و فناوریهای روز در جهت بازاریابی، تبلیغات و معرفی صنایع گردشگری این ناحیه که سبب ارتقای سطح درآمدی زنان روستایی و کل روستاها خواهد شد

۳- آشنایی زنان هنرمند روستایی با شیوه‌های نوین تولید و تلاش مسئولان زیربط برای کاهش قیمت تمام شده صنایع دستی و سایر محصولات مربوط به گردشگری روستایی از طریق تشکیل تعاونیها و همچنین تاسیس کارگاههای صنایع دستی و انواع محصولات گردشگری مانند گیوه بافی، حصیر بافی و سفالگری برای زنان و دختران.

۴- ظرفیت سازی نهادی، قانونی و اداری در جهت تسهیل و افزایش نقش مشارکتی زنان روستایی شاغل در گردشگری ناحیه و افزایش نقش مشارکتیهای مردمی و محلی در راستای توسعه پایدار گردشگری ناحیه مورد مطالعه.

۵- تنوع بخشی به فعالیتهای اقتصادی و افزایش فرصتهای شغلی و درآمدی در بخش غیر کشاورزی با توجه لازم به دانش فنی بومی زنان هنرمند روستایی و امکان تلفیق آن با روشهای نوین تولید با نگرش کارآفرینی در این ناحیه روستایی .

۶- شناسایی تجربیات و طرح‌های نمونه و موفق کارآفرینی روستایی در زمینه گردشگری و ترویج آن در روستاهای مورد مطالعه و سطح کشور متناسب با شرایط محلی.

۷- ارتباط بیشتر بین موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی استان با تولید کنندگان صنایع دستی و گردشگری ناحیه در راستای تکامل دانش، بینش و نگرش جوامع روستایی

۸- اتخاذ تمهیداتی مناسب و بهره‌گیری از انواع ابزارها و شیوه‌های تشویقی و حمایتی برای تسهیل در روند توسعه بازارهای مالی گردشگری روستایی .

۹- بالا بردن اعتبارات مربوط به آموزش و بیمه کردن زنان روستایی شاغل در گردشگری روستایی با هدف توانمند سازی و ظرفیت سازی اجتماعات روستایی محلی برای شکوفایی استعدادها، بیان خواسته‌ها و نیل به کیفیت مطلوب زندگی.

۱۰- توجه به چشم اندازهای بکر فرهنگی روستا که پوشاک، زبان و گویش محلی، صنایع دستی، ادبیات بومی، موسیقی و رقص محلی و معماری سنتی مسکن روستایی را در بر می‌گیرد.

۱۱- بستر سازی برای بهره‌مندی جامعه روستایی مورد مطالعه از خدمات زیربنایی و زیرساختی لازم از طریق تزریق سرمایه‌های حاصل از صنعت گردشگری به اقتصاد روستا و ایجاد انگیزه بیشتر برای سرمایه گذاری در بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی.



منابع:

- ازکیا، مصطفی، میرشکار، احمد (۱۳۷۶). دانش بومی و مشارکت مردمی و چگونگی - استفاده از آن در بهره برداری از هرز آبهای سطحی منطقه دشتیاری، فصلنامه جنگل و مرتع؛ شماره ۳۴.
- بررسی و وضعیت موجود زنان روستایی ایران (۱۳۹۰) جلد ۲، انتشارات دفتر تحقیقات و برنامه ریزی معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی
- بوذرجمهری، خدیجه (۱۳۸۵). دانش کشاورزی بومی جنسیتی و نقش آن در توسعه روستایی، پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۳.
- بوذرجمهری، خدیجه و افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۴). تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی. فصلنامه علمی پژوهشی مدرس شماره اول، پیاپی ۳۸، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- بوذرجمهری، خدیجه. مجموعه چکیده مقالات اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز ۱۳۹۳
- پازکی، معصومه (۱۳۸۷). تحلیل عملکرد فضایی کشت گل و جایگاه آن در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان پاکدشت) رساله دکتری تخصصی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران
- جمعه پور، محمود، احمدی، شکوفه (۱۳۹۰). تاثیر گردشگری بر معیشت پایدار روستایی (مطالعه موردی: روستای برغان شهرستان ساوجبلاغ). پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره ۱، صص ۶۳-۳۳.
- خانی، فضیله (۱۳۹۰). تحلیل جنسیتی از درک آثار گردشگری روستایی، مطالعه موردی: روستاهای کن - سولقان در شمال غرب تهران، مجله توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۳۰،
- دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۵) گردشگری پایدار و شاخص‌های ارزیابی آن، اولین همایش توسعه گردشگری روستایی و عشایری، انتشارات سازمان شهرداریها و دهرداریهای کشور
- سالنامه آماری استان خراسان رضوی، سال ۱۳۸۵
- طاهری، علی (۱۳۸۸). درآمدی بر جغرافیا و تاریخ نیشابور، انتشارات شادیاخ، چاپ دوم، نیشابور
- عمادی، محمد حسین، عباسی، اسفندیار (۱۳۷۸) حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار جلد ۱ مبانی، مفاهیم و باورهای حاکم، تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- عمادی، محمد حسین، عباسی، اسفندیار (۱۳۸۳). دانش بومی و توسعه پایدار چاره‌ها و چالش‌ها. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- عنایتانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، بررسی آثار کالبدی خانه‌های دوم بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی، مطالعه موردی: روستاهای بیلاقی شهر مشهد، فصلنامه روستا و توسعه، دوره دوازدهم، شماره ۴، صص ۱۶۶-۱۴۹.
- قدیری معصوم، مجتبی، استعلاجی، علیرضا و پازکی، معصومه (۱۳۸۹). گردشگری پایدار (روستایی و عشایری)، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- قدیری معصوم، مجتبی، پازکی، معصومه (۱۳۸۷) نقش گردشگری پایدار روستایی در توسعه پایدار روستاها (مطالعه موردی: شهرستان پاکدشت)، مجله سرزمین، شماره ۱۸.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۴). بررسی جامعه شناختی نقش زن در کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم.
- مهندسین مشاور آرمانشهر (۱۳۸۵). طرح جامع گردشگری شهرستان نیشابور، جلد دهم: تدوین اهداف و راهبردهای برنامه ریزی راهبردی گردشگری نیشابور، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، تهران.



- وودز، مایکل (۱۳۸۹) جغرافیای روستایی (فرایندها، واکنش‌ها و تجربه‌های باز ساخت روستایی) ترجمه رضوانی، محمد رضا و فرهادی، صامت، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.

- IFAD (1999), seminar report on the economic advancement of rural woman in Latin American and the Caribbean. Cost Rica.
- Simpson, B.M. (1994), Gender and the Social differentiation of local Knowledge. indigenous knowledge and development monitor, 2(3).
- Dewes, W.; "Introduction traditional knowledge and sustainable" in S.H. Davis and K. Ebbe (Eds) Proceedings of a Conference held at The World Bank Washington D.C., Sept. 27-28, Environmentally Sustainable Proceeding Series, No.4. 1993.
- DOT (1994). National rural tourism strategy 'commonwealth department of tourism.
- Penny R., Andersen; "Gender and Indigenous Knowledge"; I K & DM Article; (1-9), 2001.

